

## عنوان مقاله:

رویکرد نوسلفی و از بین بردن ظرفیت تمدنی فقه سیاسی اهل سنت

## محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره 2، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسنده:

سید محمدهادی پیشوایی - دانشجوی دکتری موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

## خلاصه مقاله:

نظام سیاسی و قوانین اداره جامعه یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر تمدن می‌باشد. در تمدن نوین اسلامی هم فقه سیاسی به‌عنوان بخش شریعت‌شناسی سیاست در اسلام به همراه فلسفه، عرفان و کلام و علوم تجربی سیاسی جوامع اسلامی ارکان شکل‌دهنده به این بخش از تمدن می‌باشند. در تمدن اسلامی فقه سیاسی اهل سنت به خاطر نوعی نگاه پسینی به مشروعیت و سایه‌نشینی قدرت و آزاد گذاشتن عقل تدبیری، عملاً نقش خود را در طراحی نظام قدرت کم‌رنگ کرده، و در مقابل عامل مهمی در استقرار، ثبات و اداره نظام خلافت و حکومت‌های وابسته به آن بوده است. اما مسئله مهم در بحث تمدن نوین اسلامی، بحث طراحی نظام سیاسی مطلوب آن بوده، که متأسفانه هنوز در فضای سنتی اهل سنت، اراده جدی برای طراحی چنین ساختاری وجود ندارد. اما در مقابل، جریان نوسلفی با تغییر رویکرد فقه سیاسی اهل سنت از حالت پسینی بودن، به پیشینی بودن و تأکید بر بازطراحی نظام خلافت به‌نوعی نظام فقه سیاسی اهل سنت را وارد این عرصه کرده‌اند. زیرا به اعتقاد آنان فقه سیاسی گذشته اهل سنت، به خاطر مشکلاتی فاقد توانایی لازم برای حل چنین مسئله‌ای بوده و نیازمند اصلاح می‌باشد. اما متأسفانه اصلاحات آنان به‌جای حل مشکل، عملاً سبب مضاعف شدن مشکلات فقه سیاسی اهل سنت شده است. علی‌الخصوص اصلاحات! عجیب گروه‌های تکفیری، نقش تخریبی بسیار خطرناکی برای جوامع اسلامی ایجاد کرده است. از این رو شناخت ظرفیت‌های تمدنی فقه سیاسی اهل سنت از سویی و از آن مهم‌تر شناخت اصلاحات نوسلفی در این نظام فقهی، تأثیر بسیاری بر نحوه تعامل با اهل سنت در طراحی تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

## کلمات کلیدی:

نوسلفیه، تمدن نوین اسلامی، فقه سیاسی، ظرفیت تمدنی، تکفیر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1143788>

